

تحلیل محتوای یادگارنوشته‌های مکان‌های تاریخی شهرستان یزد و عوامل مؤثر بر آن

احمد نوبخت*

(تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۳، تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۲۹)

چکیده

پژوهش حاضر به منظور تعیین و تبیین یادگارنوشته‌های مکان‌های تاریخی و عوامل مؤثر بر آن به شیوه مشاهده مستقیم و با روش تحلیل محتوا در میان ۲۳ اثر تاریخی شهرستان یزد انجام شده است. نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده (سیستماتیک) برحسب میزان فراوانی شکل‌ها و تصویرها و جمله‌های حک‌شده انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش با توجه به ۲۲۰۴ یادگارنوشته شامل واژه، شکل و تصویر و مقوله‌بندی‌های: زمان (تاریخ) درج یادگاری، سن، شهر محل سکونت، قومیت، جنسیت، جنس یا ماده و ابزار مورد استفاده، اشعار و ابیات حکاکی‌شده، نام، نام خانوادگی، حروف لاتین و... به دست آمده است. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پدیده یادگارنویسی، بی‌توجهی و سهل‌انگاری به این آثار است. چون نگهداری از بناهای تاریخی ارزش مطرح نمی‌شود، پس مخدوش کردن و زمینه‌سازی برای تخریب آن نیز ضد ارزش به‌شمار نمی‌آید و اقدامی درباره نگهداری از این آثار صورت نمی‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: مکان‌های تاریخی، نظارت و کنترل اجتماعی، نظام اجتماعی، وندالیسم، یادگارنویسی، یزد.

۱. مقدمه و بیان مسئله

آثار و بناهای تاریخی و باستانی در گذر تاریخ به علت‌های متعددی مانند زلزله، سیل و... از بین می‌رفتند. گاهی این بناها بازسازی می‌شدند و گاهی هم به دلایل ایدئولوژیک و تغییر حکومت‌ها به بازسازی آن‌ها چندان گرایشی وجود نداشت. مسجد کبود در تبریز قابی است که در آن می‌توان نگرش‌های مختلف درباره تخریب و بازسازی را جست‌وجو کرد. بنابراین، عوامل طبیعی یگانه‌متغیری بود که در دوره‌های مختلف موجب ویرانی بناهای تاریخی می‌شد. البته، ناگفته پیداست که در شعله مهیب جنگ نیز مجموعه‌های تاریخی به کام زوال و اضمحلال فرومی‌رفتند. مجموعه تخت جمشید با آن همه عظمت به دست اسکندر ویران شد. کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و علمی ایران در طول نبردهای بیگانگان و حمله‌های اندیشه‌سوز آنان از میان رفت. بنابراین، حوادث طبیعی و انسانی زمینه‌ساز تخریب در گذشته هستند.

اما با ورود مدرنیته به ایران و آغاز تغییرات ذاتی این پدیده، آثار مثبت و منفی آن دامن ایران اسلامی را نیز گرفت و در برخی ابعاد، آن را با چالش جدی روبه‌رو کرد. آنچه بیشتر بر آن تأکید می‌شود، ثمره تخریب‌زای مدرنیته است که باید آن را کنترل و مدیریت کرد. اینکه اولین یادگارنوشته کجا، کی و توسط چه کس و با چه خصوصیات زمینه‌ای نوشته شد، چندان آشکار و متقن نیست. برای مثال، کتاب *تاریخ اجتماعی ورامین* قدیمی‌ترین تاریخ یادگارنویسی بر کاروان‌سراهای ورامین را به سال ۱۰۰۳ق نسبت می‌دهد (امینی، ۱۳۶۸). گفتنی است که یادگارنویسی پدیده‌ای جدید و مدرن و درخور تعمق است.

دیوارنویسی و نوشتن یادگاری روی مکان‌های تاریخی به عنوان پدیده جدیدی که زمینه تخریب آثار تاریخی و ملی را فراهم کرده، متأثر از عوامل خرد و کلان است. ازسویی، یادگارنویسی بر بناهای تاریخی قرابت و هم‌پوشانی بسیار ضعیفی با پدیده وندالسیم و مرزبندی خاصی با آن دارد. از یک‌سو، نهادهای کنترل‌کننده و آموزش‌دهنده رفتارهای اجتماعی بر این پدیده تأثیر دارد و احترام‌گزاردن و پاسداشت بناهای ملی و دینی ارزش تلقی نمی‌شود؛ از سوی دیگر، تقبیح و ضد ارزش دانستن درج یادگاری و خدشه‌دار کردن این آثار مورد تأکید و ترویج قرار نمی‌گیرد و به کنشگرانی که در حال اجتماعی شدن هستند، آموزش‌های لازم برای چگونگی پاسداشت این بناها داده نمی‌شود. متولیان امر هم با نظارت نکردن بر آثار تاریخی و ملی زمینه لازم برای تخریب این بناها و آثار تاریخی را فراهم می‌کنند. اینکه چه افرادی و با

چه خصوصیتی از لحاظ جنسیت، قومیت، محل سکونت و... و با چه مضامین، تصویرها و شکل‌هایی روی دیواره، طاق، سقف و کف بناهای تاریخی می‌نگارند نیز در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. در پایان، با توجه به دو نگاه سطحی و کوتاه‌مدت و ژرف و بلندمدت به این پدیده، راهکارهایی معرفی شده است.

نوشتن یادگاری روی سرستون تخت جمشید، رنگ‌نویسی روی کتیبه‌ای ایلامی در ایذه، بروز و تجلی احساسات درونی روی طاق بستان، ترسیم شکل‌های هندسی بر صورت بقاع متبرکه و نوشتن واژه‌هایی نابهنجار و ضد اخلاقی بر تارک آثار تاریخی و باستانی سرزمین ایران به گره‌ای کبود و رنجشی زیان‌آور تبدیل شده است. آثار برجای‌مانده از پیشینیان میراثی ارزشمند هستند که با تار و پود هویت ما درهم آمیخته‌اند. مخدوش کردن این آثار مبارزه و تقابل با میراث مانای گذشتگان است که با دستان خویش بنیان و اساسش را نشانه گرفته‌ایم. «رنگ‌پاشی و یادگارنویسی روی نقش‌های ایذه تاحدی وسعه گرفته است و به اعتقاد کارشناسان، شاید تا چند وقت دیگر نتوان به راحتی نقش‌ها و خط‌نوشته‌های به‌جامانده از دوره عیلامی این شهر را دید.» (انجمن دوستداران میراث فرهنگی فارس). حک کردن یادگاری بر روی قسمت‌هایی از مناره شهر گور فیروزآباد که دسترسی به آن آسان نیست و بسی غیرعادی به نظر می‌آید (خبرگزاری مهر)، نشان از این دارد که مسئله یادگارنویسی گره‌ای کور است که در باور ما نقشی ماندگار یافته و بر این پنداشت اصرار داریم که با قاطعیت بناهای باستانی خویش را ویران کنیم. بنابراین، موضوع این پژوهش سهل‌ممتنع می‌نماید: از یک سو اگر قضاوت و بررسی براساس ظاهر نوشته‌های حک‌شده صورت پذیرد، موضوع به سادگی دریافت می‌شود؛ اما اگر با ژرف‌نگری درباره چرایی رخداد این پدیده بیندیشیم، پیچیدگی مطلب بیشتر عیان می‌شود.

اینکه بناهای هویت‌آفرین ما آن‌هم در عصر جهانی شدن که سیلان و «بازاندیشی» رکن اساسی آن به‌شمار می‌آید (گیدنز، ۱۳۸۴: ۷۶) در حال مخدوش شدن هستند و در آینده‌ای بسیار نزدیک کارکرد خود را برای عبرت گرفتن یا به تعبیر کلام مقدس: «پس در زمین بگردید و ببیند» (آل‌عمران: ۱۸۳) از دست می‌دهند، چالشی است که بنیان این پژوهش را سبب شده است.

بررسی وسایلی که از آن‌ها برای آسیب رساندن به مکان‌های تاریخی استفاده می‌کنند، تحلیل نوشته‌ها و شکل‌ها و تصویرهای حک‌شده روی دیواره‌های بناها و یافتن چرایی و تبیین دلایل ارتکاب این عمل از محورهای بحث این پژوهش است.

نکته مهم و درعین حال تأسف‌بار این است که درجه حساسیت شهروندان جامعه، به دلیل بی‌توجهی به کارکردهای بناهای تاریخی، تنزل پیدا کرده است؛ چنان‌که اگر شخصی را در حین دیوارنویسی مشاهده کنند، او را از این کار باز نمی‌دارند و این کار را به مثابه تخلیه هیجان‌ها و احساسات او می‌پندارند. این پژوهش ضمن پرداختن به چرایی این مسائل، سعی دارد راهکارهای اثربخش، عملی و مدون برای حل مسئله پیشنهاد کند.

میراث فرهنگی هر کشوری کارکردهای بسیاری دارد که ضرورت توجه به آن در عصر جهانی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بدیهی‌ترین کارکرد میراث فرهنگی، کارکرد اقتصادی آن است. امروزه، بشر با توجه به پیامدهای ویرانگر و تهدیدآفرین مدرنیته به دنبال انرژی‌های برگشت‌پذیر و سبز است و به‌سوی صنایع پاک حرکت می‌کند؛ بنابراین لزوم عنایت به صنعت توریسم و استفاده بهینه با نیت هژمونی و ایدئولوژیک خودنمایی می‌کند. کشورهایی که از منابع طبیعی مانند زغال‌سنگ، نفت، گاز و خاک غنی بی‌بهره‌اند، به میراث فرهنگی خود توجه کرده و به بسترسازی برای صنعت توریسم پرداخته‌اند.

کارکرد دیگر آثار تاریخی و فرهنگی، هویت‌آفرینی است. در عصر جهانی‌شدن که جهانی - محلی شدن از مختصات آن شمرده شده است، لزوم توجه به سنت، میراث فرهنگی، بناهای تاریخی، بقاع متبرکه و... بدیهی می‌نماید. در عصر جهانی‌شدن عنصری می‌تواند اوج بگیرد که بتواند از ابزارهای نوین و جهانی استفاده کند و عناصر محلی خود، آثار تاریخی و باستانی را در بستر جهانی معرفی کند. در این شرایط است که کیستی و هویت نسل در حال شدن در مدرنیته گره می‌خورد و به انسجام هویتی جوانان و نوجوانان می‌انجامد.

آثار تاریخی، ملی و دینی هر کشوری تنها میراث قابل مشاهده است که می‌توان به اتکای آن به مناسبات و قاعده حاکم بر زندگی و نوع نگاه پیشینیان به جهان هستی و کائنات پی برد. کتاب مقدس مسلمانان نیز بر اهمیت عبرت گرفتن از گذشتگان تأکید می‌کند: «قبل از شما، سنت‌هایی جریان یافته، پس در زمین بگردید و ببینید» (آل عمران: ۱۸۳)؛ «خدا می‌خواهد شما را به سنت‌هایی که در امت‌های قبل از شما جریان داشته، هدایت کند» (نسا: ۲۶)؛ «و اگر خدا

بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسی برده می‌شود، سخت ویران می‌شدند» (حج: ۴۰).

پس با توجه به کارکردهای آثار تاریخی و بناهای باستانی، ضرورت عبرت گرفتن از زندگی، مراودات و قواعد حاکم بر حیات و ممات پیشینیان - به تعبیر قرآن - مبرهن است. نوشتن کلماتی در قالب نام و نام خانوادگی و تاریخ بازدید و ترسیم شکل‌ها و تصویرهای موهن و غیرموهن روی بناهای تاریخی زمینه‌ساز تخریب تدریجی این آثار و سرانجام نابودی کامل آن‌هاست. به این ترتیب، جا و مکانی باقی نخواهد ماند تا ما - خواه تکذیب‌کنندگان خواه تصدیق‌کنندگان - از آن عبرت بگیریم. این گونه تخریب‌ها کارکردهای این بناها را از بین می‌برد و یا دچار اختلال و نارسایی می‌کند. بنابراین، با بررسی پدیده «دیوانرویی» و تحلیل و ارزیابی متن‌نوشته‌ها و شکل‌ها و چرایی آن‌ها می‌توان به وسیله راهکارهایی اساسی از بناهای باستانی و قدیمی نگهداری کرد و پیوند نسل‌ها با یکدیگر را از هم نگسست. پس انجام این پژوهش الزام‌آور و ضروری است.

۲. پیشینه پژوهش

تحلیل محتوای دیوانرویی‌های کلاس درس دانشگاه شهید باهنر کرمان (۱۳۸۳) عنوان پژوهشی است که با روش تحلیل محتوا و مشاهده غیرمستقیم به دیوانرویی ۲۰۴۷ مطلب پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر بیشترین استفاده از تصویرها، شکل‌ها، اسامی، مطالب لاتین، تاریخ و اعداد در دانشکده‌های فنی و مهندسی و کمترین آن در دانشکده پزشکی شهید باهنر کرمان است. واژه عشق بیشترین فراوانی را نشان می‌دهد و پس از آن رابطه بین دو جنس، مسائل آموزشی، زندگی و امید به آن پیشینه موضوعات را نشان می‌دهد.

ربابه اخلاقی (۱۳۸۲) در رساله خود با عنوان جایگاه میراث فرهنگی نزد ایرانیان باستان به این موضوع پرداخته است که پدیده صیانت و نگهداری از میراث فرهنگی موضوعی وارداتی و غربی نیست. شواهد تاریخی متقن گویای این است که ملت ایران همواره به صیانت از میراث فرهنگی خود علاقه‌مند بوده و با حک کردن دستورات و تکالیف دینی و اجتماعی بر دل سنگ‌ها در پاسداشت آن‌ها می‌کوشیده است. نگارنده این رساله با ذکر شواهدی نشان می‌دهد نه تنها پیشینیان به آثار مادی و معنوی به‌جامانده اهمیت می‌دادند؛ بلکه با قرار دادن الواحی

سرشار از نکات پندآموز در زیر بناهای تاریخی، سعی در انتقال معرفت و دانش خود به نسل‌های آینده داشتند.

غلامرضا صدیق اورعی (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی عوامل مؤثر در بروز تخریب: یک درد اجتماعی به نام وندالیسم»، وندالیسم را ناشی از ناسازگاری روابط فرد و جامعه، تزلزل نهادهای جامعه در انتقال ارزش‌های اجتماعی، واکنش خصمانه و خشن برخی از افراد و شرایط بد و ناعادلانه می‌داند. او الگوی همنشینی افتراقی، احساس اجحاف و ستم، ناکامی و تخریب توسط جوانان آن‌هم فقط برای شوخی و مزاح را از عوامل مؤثر بر تخریب برمی‌شمرد.

«وندالیسم و شکاف نسل‌ها» عنوان پژوهشی است که کاوه احمدی علی‌آبادی (۱۳۸۷) انجام داده است. نویسنده مقاله گفته است که شکاف نسل‌ها- که ناشی از تفاوت‌های قطبی و شدید بین نگرش‌ها، ایده‌ها، هنجارها، باورها، رفتارها و الگوهای نسل‌های مختلف است- به آشوب‌گری و تخریب منجر می‌شود. این تحقیق به‌روش اسنادی، به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و به‌شیوه تحلیلی موضوع را بررسی کرده است.

عالیه شکریگی و فاطمه محمدی‌راد (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی علل و عوامل نظری وندالیسم در میان جوانان» به‌شیوه پیمایش و براساس مباحث نظری و اطلاعات تجربی، وندالیسم را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند.

علی‌رضا محسنی تبریزی (۱۳۷۹) در مقاله «مبانی نظری و تجربی وندالیسم: بررسی یافته‌های یک تحقیق» به مصادیق رفتارهای وندالیستی میان نوجوانان و جوانان ۱۰ تا ۲۵ ساله در تهران با حجم نمونه ۱۹۲ نفر وندال در مراکز بازپروری و کانون‌های اصلاح و تربیت پرداخته است. براساس یافته‌های این پژوهش، میان مصادیق رفتاری وندال‌ها با سایر کشورها تطابق نسبی وجود دارد. در این پژوهش گفته شده که میل به وندالیسم از عوامل بی‌شماری مایه گرفته است که در شبکه‌ای از روابط علی تبور می‌یابد؛ از مهم‌ترین این عوامل احساس بی‌هنجاری، احساس اجحاف، اختلال در روابط و شرایط خانوادگی و آموزشی در بروز رفتار خراب‌کارانه است.

در تحقیقاتی که تاکنون در ایران درباره این موضوع انجام شده، جای خالی پژوهشی عمیق با پشتوانه‌ای محکم و نظری خالی است. درواقع، به‌صورت خاص به موضوع دیوارنویسی روی بناهای باستانی پرداخته نشده است. اغلب پژوهش‌ها حول محور وندالیسم و رفتارهای

خراب‌کارانه انجام شده است. در این پژوهش‌ها، رفتارهایی بررسی شده که میل انحرافی و جنبه آگاهانه کنش در آن‌ها زیاد بوده و بیشتر از گونه غیرمشاهده‌ای بوده است؛ درحالی که این پژوهش به‌روش تحلیل محتوا و غیرمشاهده‌ای است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

در این قسمت با توجه به نزدیکی و گاه اختلاط معنایی که در بازه و شمول مصادیق وندالیسم با یادگاری‌نویسی و دیوارنویسی مکان‌های تاریخی وجود دارد، به نسبت این دو واژه پرداخته می‌شود. آیا دیوارنویسی بناهای باستانی و تاریخی رفتاری وندالی است؟

در پاسخ به این پرسش نخست به شمول مفهوم وندالیسم اشاره می‌شود. برای وندالیسم تعریف‌های بی‌شماری بیان شده است. یکی از این تعریف‌ها، تخریب داوطلبانه و خارج از کنترل محیط است که هیچ‌گونه منفعتی برای عامل ندارد و ناهنجاری اجتماعی به‌شمار می‌آید و شخص قربانی شرایط می‌شود (Moser, 1992: 52-54). تخریب اموال عمومی، به‌هم ریختن نظم شهر، تخریب گل‌ها و چمن‌ها، نوشتن یادگاری روی صندلی‌ها و درخت‌ها، شکستن شیشه لامپ‌های برق، پاره کردن صندلی اتوبوس‌ها، تخریب وسایل بهداشتی، شعارنویسی روی دیوارها و... برخی از مصادیق تخریب محیط به‌شمار می‌آیند.

با توجه به مصادیق متعددی که بر پدیده وندالیسم مترتب است، می‌توان مصادیق و نمودهای این پدیده را با توجه به شدت و میزان تخریب از یک‌سو و کنش‌های پرخاشگرانه از سوی دیگر بررسی کرد. از لحاظ میزان و شدت تخریب نمودهای جمع‌آوری‌شده از جامعه آماری (نمونه انتخاب‌شده از جامعه آماری)، تخریب بیشتر محدود به نوشتن یادگاری و ترسیم شکل‌های مختلف روی آثار تاریخی است و از این نظر، در معنای حداقل تخریب و مصادیق وندالیسم قرار دارد و نسبت به سایر مصادیق برشمرده این پدیده شدت کمینه‌ای از تخریب را داراست. درباره کنش‌های پرخاشگرانه و هیجانی نیز بایست یادآوری کرد که معمولاً درج اسامی و اعلام و نمادها و ترسیم شکل‌ها روی بناهای تاریخی و باستانی به دور از پرخاشگری است و در آن هیجان تأثیر کمتری دارد. از این لحاظ نیز یادگارنویسی قرابت کمینه یا حداقلی با وندالیسم دارد و در انتهای طیف قرار می‌گیرد. بنابراین، از نظر دو معیار شدت تخریب و

آسیب و رفتار پرخاشگرانه، موضوع مورد مطالعه به معنای حداقلی وندالیسم است (Berk & Aldrich, 1972: 533; Clark, 2004: 2).

نکته حائز اهمیت دیگر ویژگی‌های رفتاری، شخصیتی، فردی و خانوادگی وندال‌هاست. نتایج پژوهش محسنی تبریزی (۱۳۷۹) نشان می‌دهد وندال‌ها یک گروه و تیپ خاص با ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اعتقادی و رفتاری خاص‌اند که آن‌ها را از غیروندال‌ها متمایز می‌کند. اما یافته‌های پژوهش حاضر (مشاهدات) گویای این است که پراکندگی میان خصوصیات یادگارنویسان زیاد است و کمتر یک تیپ خاص و منحصر به فرد را نشان می‌دهد (به یافته‌های پژوهش رجوع شود).

در ادامه، به نظریه‌هایی اشاره می‌کنیم که با موضوع این پژوهش ارتباط دارند و به نوعی علل مؤثر بر یادگارنویسی را نشان می‌دهند.

۳-۱. نظام اجتماعی و نظام عمومی کنش

از آنجایی که نظریه کارکردگرایی پارسونز به ویژه مفهوم نظام اجتماعی می‌تواند در هر شکل و مقیاسی کاربرد و مصداق پیدا کند (توسلی، ۱۳۸۰: ۲۴۸)؛ بنابراین موضوع «یادگارنویسی» نیز در این مقیاس می‌گنجد و می‌توان در تبیین این موضوع و عوامل مؤثر بر آن، از این نظریه استفاده کرد. پارسونز تأکید می‌کند به جز جنبه ارادی و عقلانی رفتار کنشگر، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی چگونگی کنش را شکل می‌دهد و کنش در قالب نظام اجتماعی انجام می‌شود (همان، ۲۴۱). نکته حائز اهمیت در نظریه پارسونز این است که به منظور دستیابی به هدف (عدم تخریب و یادگارنویسی بر مکان‌های تاریخی و باستانی) نظام شخصیتی مورد نظر پارسونز- که از طریق آن جامعه‌پذیری ایجاد می‌شود و ارزش‌های فرهنگی عمومی و هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد- نقش اساسی ایفا می‌کند. پاسداشت آثار تاریخی از یک سو و سهل‌انگاری و عدم نظارت از سوی کنشگران در فضای عمومی کنش (فضای حاکم بر فرهنگ بازدیدکنندگان از بناهای باستانی و تاریخی) موضوعی است که به طور کامل نشان می‌دهد بی‌توجهی و سهل‌انگاری به بناهای تاریخی در نظام اجتماعی جزء شخصیت کنشگران می‌شود و این سهل‌انگاری همچون انگاره‌ای مانا و الگویی تغییرناپذیر در نظام اجتماعی مطرح است. در نهایت، در فضای عمومی حاکم بر گردشگران به عنوان فضای عمومی کنش، کنشگران

از یک سو با بی‌توجهی و از سوی دیگر با نوشتن «یادگاری» زمینه تخریب آثار تاریخی را فراهم می‌کنند (کرایب، ۱۳۸۶: ۵۵-۶۵؛ ریتزر، ۱۳۷۹: ۱۳۴-۱۴۱؛ دیلیتی، ۱۳۸۷: ۳۵۶-۳۶۲).

۳-۲. کنش متقابل اجتماعی

بلومر خاطرنشان می‌کند که انسان‌ها در تعامل و کنش با همدیگر کنشی را که دیگری انجام می‌دهد مورد بررسی قرار می‌دهند و سعی می‌کنند کنش خود را براساس ارزیابی دیگران از کنش یکدیگر تنظیم کنند یا تغییر دهند. بنابراین، کنش‌های دیگران به‌طور مستقیم در کنش هر فردی تأثیر دارد و بر اثر کنش فردی ممکن است کنش فرد دیگر تجدید شود. درواقع، رفتار دیگران در کنش فرد تأثیر دارد و ممکن است فردی قواعد رفتاری خود را از آن وام بگیرد (توسلی، ۱۳۸۰: ۳۱۹). درباره متغیر مورد پژوهش نیز بایست تأکید کرد که مشاهده دیوارنوشته‌ها و یادگارنوشته‌ها مهم‌ترین عاملی است که کنشگر را برای انجام این کنش تشویق می‌کند و تأییدیه‌ای است که شخص آن را در پیرامون خود می‌بیند و با عدم هشدار دیگران، سهل‌انگاری و نبود نظارت، رفتار کنشگر تشدید می‌شود. در روان‌شناسی اجتماعی، این موضوع را با پدیده «گلوله برفی» تبیین می‌کنند. کافی است که کسی اولین گلوله برفی را پرتاب کند، معمولاً دیگران هم از او پیروی می‌کنند و به پیامدهای کنش خود توجهی نمی‌کنند. نکته دیگر در این باره، نظریه هم‌رنگی با جماعت است: «هم‌رنگی را می‌توان تغییری در رفتار یا عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فردی دیگر یا گروهی از مردم تعریف نمود» (ارونسون، ۱۳۷۳: ۲۱). نکته مهم در این نظریه - با توجه به متغیر وابسته پژوهش - تحت تأثیر قرار گرفتن کنشگری است که در قالب فرد یا گروه از بناهای تاریخی بازدید می‌کند. اگر فردی به‌صورت منفرد یا در کنار خانواده، بستگان و دوستان به بازدید آثار و بناهای تاریخی بپردازد و بر اثر عواملی مانند نبود نظارت حساب‌شده، عدم اطلاع‌رسانی و آموزش کافی در باب صیانت از میراث تاریخی، ابراز وجود یا میل به جاودانگی و بقا و...، به مخدوش کردن آثار تاریخی و نوشتن یادگاری روی آن‌ها بپردازد، معمولاً محرک بروز این رفتار و این‌همانی در سایر اعضای گروه می‌شود. از موارد درخور توجه دیگر در این نظریه این است که امید داشتن به واکنش دیگران به فعل خدشه وارد کردن بر آثار تاریخی موجب بازدارندگی نمی‌شود؛ بلکه زمینه تخریب شدیدتر آن را فراهم می‌کند. بنابراین، عدم نظارت از

سوی متولیان و حافظان بناهای تاریخی و سکوت مشاهده‌کنندگان در برابر مخدوش کردن این آثار عاملی مؤثر در تخریب بناهای تاریخی و میراث ارزشمند است.

۳-۳. نظریه کنترل و نظارت اجتماعی

کنترل اجتماعی سازکاری است که جامعه توسط آن تسلط خود را بر افراد اعمال می‌کند و ارزش‌ها و هنجارها را بر فرد تحمیل، و هم‌نوایی لازم را ایجاد می‌کند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۱۰۷). اگر نظریه‌اندیشمندان را درباره کنترل اجتماعی با نگاهی دقیق‌تر واکاوی کنیم، به نتیجه روشنی درباره متغیر وابسته پژوهش و عوامل مؤثر بر آن خواهیم رسید. راس نهادهای نظم‌دهنده اجتماعی را مسبب سازگاری رفتار و کنش افراد با خواست جمعی و گروهی می‌پندارد. او «باورهای فوق طبیعی، تشریفاتی، افکار عمومی، اخلاق، هنر، آموزش، حقوق و پدیده‌های مربوط به آن‌ها را در حفظ ساختار هنجاری» جامعه مؤثر می‌داند (همان، ۱۰۹-۱۱۲). نظریه سامنز درباره کنترل اجتماعی گویای این است که شیوه‌های قومی و عادات‌ها و رسوم نظم‌دهنده و سامان‌بخش کنش نسل‌های آینده است، بر آن‌ها تسلط دارد و در کنترل رفتار اجتماعی و فردی مؤثر است (همان، ۱۱۳-۱۱۴). دورکیم نیز اعتقاد دارد مقوله کنترل اجتماعی فقط با فشارها و الزام خارجی حاصل نمی‌شود؛ بلکه آنچه بیشترین تأثیر را در کنترل اجتماعی دارد، «تفکر فرد نسبت به تکالیف اخلاقی [است] که او را وادار به کنش درمقابل قواعد اجتماعی می‌نماید؛ به عبارت دیگر زمانی که شخص درمقابل یک هنجار احساس وظیفه نماید فی‌الواقع آن را می‌پذیرد و ملزم به رعایت می‌شود». دورکیم نهادینه کردن خواست‌های اجتماعی را مهم‌ترین عامل در کنترل اجتماعی می‌داند (همان، ۱۱۵-۱۲۰). نظریه‌مید نیز هم‌سو با موضوع پژوهش قدرت تبیین‌کنندگی زیادی دارد. به نظر می‌دهد، زمانی که شخص به‌وسیله تجربه اجتماعی و با آزمون و خطا متوجه انتظارها و ارزیابی دیگران می‌شود، تصویری از خود شکل می‌گیرد و نگرش «دیگران مهم» در او درونی می‌شود. با دیگری تعمیم‌یافته وجدان فرد به‌وجود می‌آید و این‌گونه است که انتظارهای دیگران شخصیت فرد را شکل می‌دهد (همان، ۱۲۰-۱۲۴).

با توجه به این نظریه‌ها می‌توان چنین استنتاج کرد که اگر نهادهای نظم‌دهنده اجتماعی راس، شیوه‌های قومی سامنز، احساس وظیفه کنشگر اجتماعی دورکیم و انتظارهای دیگران و

تجربه‌های کنشگرِ مید را مورد توجه قرار دهیم، پدیده دیوان‌نویسی و عوامل مؤثر بر آن را بهتر می‌توانیم تبیین کنیم. نکته درخور توجه این است که کنترل اجتماعی لازم درباره متغیر وابسته - دیوان‌نویسی - صورت نمی‌گیرد. هیچ‌یک از منابع شامل عادت‌ها و شیوه‌های قومی، اخلاق و... عامل بازدارنده لازم برای مخدوش کردن آثار و بناهای تاریخی نیستند. به نظر می‌رسد صیانت از آثار تاریخی و بناهای ملی به عنوان ارزش مطرح نشده و در نتیجه قاعده‌ای نیز برای جلوگیری از آسیب رساندن به میراث فرهنگی در میان کنشگران تعریف نشده است. وقتی کودک از همان ابتدا چنین کنشی را (پاسداشت از میراث گذشتگان و حساس بودن به آن) آموزش نمی‌بیند و میزان حساسیت خانواده و جامعه به این کار را در حد بسیار پایینی می‌داند، هیچ زمانی قادر نخواهد بود این موضوع را در اهرم‌های کنترلی خود نهادینه کند. باری، با نبود هیچ‌گونه احساس وظیفه‌ای در قبال محافظت از آثار تاریخی و نیز فقدان تعریف رفتارهای قاعده‌مند در برابر این بناهای تاریخی به‌جامانده از پیشینیان، نمی‌توان انتظار داشت کنشی مبنی بر پاسداشت و صیانت از مکان‌های متبرکه و تاریخی - ملی مشاهده شود.

با مقدمه‌های بیان‌شده درمی‌یابیم کنشگرانی که هیچ‌گونه قاعده‌ای را در این باره نمی‌شناسند، به هیچ روی نمی‌توانند «احترام به آثار تاریخی» را همچون وظیفه‌ای اخلاقی بپندارند و آن را درونی کنند و خویش را ملزم به رعایت آن؛ زیرا نظام کنش متقابل چنین چیزی را نمی‌خواهد. براساس نظریه مید، شخص حتی اگر احترام به آثار تاریخی را به عنوان ارزش متعارف بپذیرد، با آزمون و خطا می‌آموزد که درجه حساسیت جامعه به چنین ارزش فراموش‌شده‌ای بسیار پایین است و جامعه انتظار نگهداری از چنین آثاری را ندارد و محافظت از آن را ترویج نمی‌کند. بنابراین، درجه اهمیت دادن به آثار ملی و تاریخی و بقاع متبرکه و احساس وظیفه کنشگران در برابر آن‌ها و میزان بازدارندگی از تخریب این مکان‌ها به سطح پایینی می‌رسد. بدیهی است که چنین عاملی اگر با عدم نظارت و صیانت متولیان و پاسبانان آثار تاریخی همسو شود، به دیوان‌نویسی می‌انجامد. کنجکاوی و میل بازدیدکنندگان (که رنج سفر را بر حضر هموار کرده‌اند تا با مشاهده این آثار عبرت بگیرند و گذر ایام را دریابند) به برجای گذاشتن اثری از خود بر سیمای این آثار تاریخی و ملی - در کنار سایر ناهنجاری‌ها - موجب ویرانی آن‌ها می‌شود؛ از جمله ترسیم شکل قلب تیرخورده و خونی که بر تارک سرستون‌های تاریخی نمایان است.

در پایان این بخش یادآوری می‌کنیم که باور و احساس مشترک درباره تعریف احترام و دوست داشتن آثار تاریخی و ملی وجود ندارد و بنابر نظریه دورکیم، وقتی رفتاری تغییر می‌کند که ارزش‌های پدیدآورنده این رفتار دگرگون شود. چون صیانت از بناهای تاریخی ارزش نیست، پس مخدوش کردن آن و فراهم کردن زمینه‌های آن نیز ضد ارزش تلقی نمی‌شود و اقدامی درباب نگهداری از بنا صورت نمی‌گیرد.

۳-۴. شکاف نسلی

لوهمان در نظریه سیستم‌ها درباره بعد زمانی و مکانی هر سیستم به عدم اتصال و پیوستگی گذشته، حال و آینده اشاره می‌کند و می‌گوید یک سیستم برای مبارزه با پیچیدگی، نیازمند سازگاری بین گذشته، حال و آینده است. بنابراین براساس دیدگاه لوهمان، عدم پیوستگی زمینه‌ساز شکاف نسلی می‌شود. شکاف نسلی به نوعی نبود ناسازگاری در منافع و سوگیری‌ها و مطالبات نسل‌ها اشاره دارد (اجتهادنژاد، ۱۳۸۴: ۱؛ Lumann, 1995: 12).

شکاف نسلی به معنای وجود تفاوت دانشی، گرایشی و رفتاری میان دو نسل باوجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است؛ به عبارتی دو نسل، برای مثال جوانان و بزرگسالان، هرچند در یک دنیا و در یک محیط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زندگی می‌کنند، گرایش‌ها، میزان اطلاعات و انتظاراتشان با همدیگر تفاوت دارد. کارل مانهایم وجود نیروی جدید را که موقعیت‌های جدید و تجربه‌های متفاوت را پدید می‌آورد، خالق شکاف نسل‌ها می‌پندارد. یکی از مهم‌ترین شیوه‌های زندگی جدید، شورش و عصیان علیه هر چیزی است که به‌زعم جوانان، سنت نامیده می‌شود و گریز از آن به شکاف نسل‌ها می‌انجامد (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۶-۲۱؛ توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۸۶؛ پناهی، ۱۳۸۳: ۴). با توجه به نظریه شکاف نسلی، پدیده دیوان‌نویسی را می‌توان این‌گونه تبیین کرد: پدیده شکاف نسلی به دلیل تقابل و شکاف بزرگی که در ایده‌ها و آمال و انتظارات میان دو نسل ایجاد می‌شود، سبب بروز پرخاشگری و کنش‌های تخریبی و مقابله‌به‌مثل می‌شود. درواقع، «من» جوانی به‌شیوه‌ای تقابلی خود را درمقابل سنت و گذشته قرار می‌دهد و به تخریب آثار تاریخی-ملی دست می‌زند. فرد برای اثبات خود، با خدشه وارد کردن بر این آثار به‌نحوی درپی تقابل با گذشتگان برمی‌آید. نکته حائز اهمیت درباره نظریه شکاف نسلی این-

است که این عامل در کنار سایر نظریه‌های مطرح شده قادر به تبیین است و ضریب اهمیت کمتری دارد. درباره پدیده شکاف نسلی باید خاطرنشان کرد که به دلیل نبود درک متقابل و بروز رفتارهای تقابلی جوانان در خانواده و جامعه، به گمان بوردیو، نوعی بی‌مسئولیتی گذرا موجب می‌شود بی‌دقتی و سهل‌انگاری جایگزین احساس مسئولیت و دوست داشتن آثار به‌جامانده از گذشتگان و حفظ آن‌ها شود.

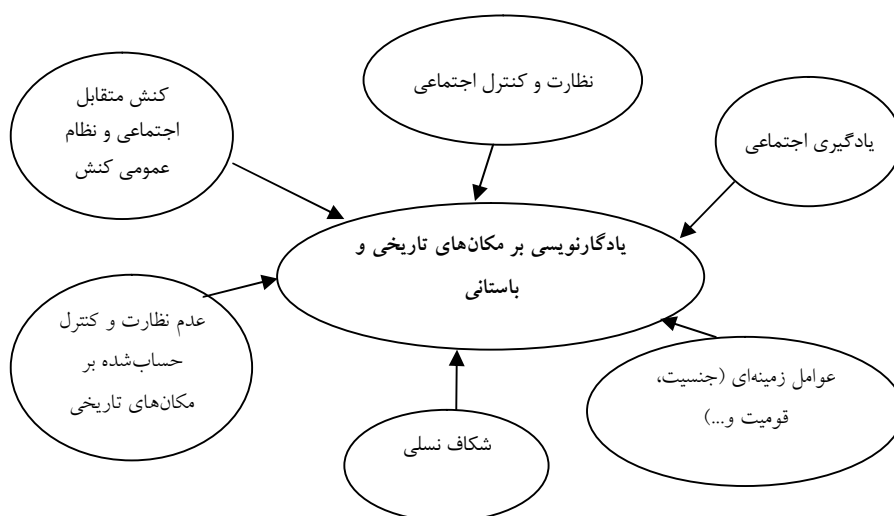
۳-۵. نظریه یادگیری

یادگیری با دو عامل مشاهده و تجربه مستقیم صورت می‌گیرد. تأثیر الگوها پایه‌ای برای دیدگاه یادگیری اجتماعی به‌شمار می‌آید. اغلب رفتارهای مردم به‌طور مشاهده‌ای و از طریق مدل‌سازی فراگرفته می‌شود. فرد با مشاهده دیگران، ایده چگونگی رفتارهای تازه را شکل می‌دهد و در موقعیت‌های آینده راهنمای کنش او می‌شود و در خدمت فرد خواهد بود. باندورا سه مفهوم یادگیری مشاهده‌ای، تشویق درونی و فرایند مدل‌سازی را مفاهیم پایه یادگیری می‌داند. اما آنچه برای این پژوهش راهگشا خواهد بود، یادگیری مشاهده‌ای است. با این فرایند می‌توان به پدیده یادگیری‌نویسی بر مکان‌های تاریخی پرداخت؛ عاملی که برای کنشگرانی که در سن آموزش رفتارها و کنش‌های هنجارمند قرار دارند، بسیار مهم و اساسی است؛ زیرا کنشگران در سن آموزش و یادگیری، رفتار بزرگ‌ترها را الگو قرار می‌دهند. سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی و گاه خدشه بره‌آثار ملی و تاریخی به‌نحوی برای کنشگران در حال تقلید الگویی از کنش سهل‌انگارانه یا تخریب‌گرایانه به‌شمار می‌آید و زمینه‌ساز تخریب آثار می‌شود (Bandura, 1977: 12- 55; Bandura, 1969: 275- 279).

در پایان این بخش به نظریه روش‌شناسی مردمی و مسئله زبان به‌عنوان پیش‌درآمد و تبیین‌کننده محتوای یادگیری‌نویسی بر مکان‌های تاریخی می‌پردازیم. زبان گفتاری، نوشتاری و نمادین وسیله‌ای است که کنشگران با آن اطلاعات خود را مبادله می‌کنند و از این راه درباره اطلاعات به قضاوت می‌پردازند. در زبان نوشتاری، مسئله بسیار مهمی که در تحلیل‌ها باید به آن نگاه ویژه‌ای داشت، مقوله معناست. معنایی که از یک جمله متبادر می‌شود، با ترکیب و جایگاه کلمات در جمله ارتباط نزدیکی دارد و متناسب با آن معنا و پیام نویسنده درک می‌شود.

حتی پیام‌ها و جمله‌های گنگ، ناقص و غیرقابل تمییز دارای معنا و مفهوم‌اند. نگاه دقیق و ویژه به جمله‌ها معنا و پیام آن‌ها را آشکار می‌کند (توسلی، ۱۳۸۰: ۴۵۰-۴۵۶).

۴. مدل پژوهش



۵. سؤال‌های پژوهش

۱. بیشترین فراوانی در چه سالی رخ داده است و دلایل آن چیست؟ (زمان)
۲. رابطه میان سن و یادگارنوشته‌ها چگونه است؟ (سن)
۳. چه نسبتی میان نام شهرهای درج‌شده بر مکان‌های تاریخی و محل سکونت نویسندگان وجود دارد؟ (محل سکونت)
۴. آیا کسانی که به درج یادگاری پرداخته‌اند، به قومی خاص تعلق دارند؟ (قومیت)
۵. آیا میان جنسیت با واژه‌ها و تصویرهای حک‌شده رابطه‌ای هست؟ (جنسیت)
۶. چه مواد یا وسایلی برای نوشتن یادگاری استفاده شده است؟ (ماده و وسیله)
۷. چه واژه‌هایی بر مکان‌های تاریخی نوشته شده است؟ (فراوانی واژه‌ها)
۸. در میان نوشته‌ها بیشترین فراوانی مربوط به چه واژه‌هایی است؟ (بیشترین فراوانی)

۹. واژه‌های لاتین بیشتر شامل چه واژه‌های است؟ (واژه‌های لاتین)

۱۰. چه عواملی بر نوشتن یادگاری مؤثر است؟ (عوامل)

۶. روش‌شناسی

در این پژوهش از روش مشاهده مستقیم استفاده شده است. پژوهشگر به‌طور مستقیم بناها و آثار تاریخی شهرستان یزد را بررسی، و از روش تحلیل محتوا برای تبیین مسئله پژوهش و دستیابی به نتایج استفاده کرده است. تحلیل محتوا روشی است برای کسب نتایج پژوهش از طریق بیان عینی و منظم ویژگی مشخص پیام‌ها و روشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر داده‌ها از متن و تصویر. این روش برای جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن به بررسی مستقیم، مشاهده کردار و اعمال انسان‌ها یا پرسش درباره آن‌ها یا ارتباطی که آن‌ها را پدید آورده است می‌پردازد و به محقق کمک می‌کند تا از قضاوت‌های سطحی، نسنجیده و آنی فاصله بگیرد (هولستی، ۱۳۷۳: ۲۸؛ کریپندورف، ۱۳۷۸: ۲۵؛ کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

۱. عناصر شناختی تحلیل محتوا: کریپندورف منابع شناخت برای بررسی و تحلیل متن را نظریه‌ها و مدل‌ها، تجربه محقق، متخصصان یا خبرگان و کیفیت نمادین داده‌ها می‌داند. همین شناخت پژوهشگر را قادر می‌سازد دغدغه‌هایش را در متن مناسبی قرار دهد و آن‌ها را نشانه پدیده‌های خارج از داده‌ها به‌شمار آورد. به این ترتیب، او به پلی منطقی و عقلایی برای استنباط داده‌ها مجهز می‌شود. تحلیل محتوا می‌تواند به‌صورت وصفی، علی، مقطعی و طولی باشد که در این پژوهش از روش وصفی و علی استفاده شده است (کریپندورف، ۱۳۷۸: ۲۲۹-۲۳۳؛ ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۹۱).

۲. جامعه آماری: جامعه مورد مطالعه جمعیتی است که مطالعه روی آن انجام می‌شود. این جامعه به‌جز انسان‌ها، پدیده‌ها و اشیاء و موجودات زنده را نیز دربرمی‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش نیز آثار تاریخی شهرستان یزد است: مسجد جامع، زندان اسکندر، بقعه دوازده امام، خانه‌های لاری‌ها، مجموعه امیرچخماق، خانه محمودی، مسجد ریگ، حمام

خان، مسجد ملا اسماعیل، آتشکده، باغ دولت آباد، سید رکن الدین، مسجد چهل محراب، حسینیه و میدان وقت الساعت، خانه ملک زاده، خانه امام حسینی، حمام نو، خانه نواب وکیل، مجموعه حسینیان، خانه رسولیان، خانه عرب زاده، خانه رأس الحسینی، بقعه شیخ احمد فهادان، برج و باروی شهر یزد، دخمه، آب انبار شش بادگیری، ساختمان قدیم استانداری مسجد فرط.

۳. نمونه گیری: نکته درخور توجه در نمونه گیری در روش تحلیل محتوا، کفایت و بسندگی در پژوهش است. به نحوی شاید نوع مسئله پژوهش و اهداف ذاتی تعریف شده با عنوان پژوهش تعیین کننده نمونه است. با توجه به روش تحلیل محتوا، واحد مشاهده در این پژوهش، متن شامل نوشتاری و تصویری است. بنابراین، نمونه گیری نیز در این قالب انجام شده است. با در نظر گرفتن این موضوع که کل آثار تاریخی شهرستان یزد جمعیت مورد مطالعه تحقیق را تشکیل می دهد؛ با توجه به جبهه و جهت آثار تاریخی، مرکزیت و حاشیه بودن آن از یک سو و جهات چهارگانه آثار از سوی دیگر، سیصد قطعه عکس تهیه شده است. تعداد آثار تاریخی نیز شامل ۲۳ بناست که با نمونه گیری طبقه بندی شده (سیستماتیک) برحسب میزان فراوانی شکل ها و تصویرها و جمله های حک شده انتخاب شده اند. برای مثال، گورستان زرتشتی ها به دلیل فراوانی بیشتر، نزدیک به ۲۵ درصد از نمونه گیری را شامل می شود. نکته درخور تأمل درباره طرح نمونه گیری - چنان که هولستی تأکید می کند - این است که انتخاب نمونه برحسب نوع تحقیق و هدف تحلیلگر، متفاوت است (هولستی، ۱۳۸۰: ۲۰۶؛ دواس، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۳؛ حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۲؛ ساعی، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۱۰۲).

۴. تیپ شناسی (مقوله بندی): یکی از مشخصات تحلیل محتوا تقسیم بندی براساس انواع قالب است. موضوع مهم در هر طرح تحقیقاتی، گزینش و انتخاب مقوله هاست و فضایی که واحدهای محتوا باید در آن طبقه بندی شوند. مقوله ها یا تیپ ها در سؤال با سؤال ها و فرضیه های پژوهش در ارتباط اند. به عبارت دیگر، همان انگاره های پژوهش هستند که در قالب معرف ها ظاهر می شوند (بیکر، ۱۳۸۶: ۳۲۱؛ هولستی، ۱۳۷۳: ۱۱۶). مقوله هایی که در

این پژوهش بنیان محتوا را شکل می‌دهند عبارت‌اند از: زمان (تاریخ) درج یادگاری، سن، شهر محل سکونت، قومیت، جنسیت، جنس یا ماده و ابزار مورد استفاده، اشعار و ابیات حک‌شده، نام، نام خانوادگی، حروف لاتین، شکل‌ها و تصویرها و... .

۵. واحدهای تجزیه و تحلیل: علاوه بر مقوله‌بندی و تیپ‌شناسی اطلاعات، پژوهشگر باید واحدهای کدگذاری را تعیین کند. واحدهای ثبت بخش خاصی از تحلیل محتواست که با قرار گرفتن در مقوله‌ای معین مشخص می‌شود. در تحلیل محتوا، واحدهای ثبت بیشتر کلمات، نمادها، تصویرها، موضوعات یا مضمون‌ها، شخصیت‌ها، جمله و پاراگراف، عنوان و زمینه است (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۸۴). واحد ثبت در پژوهش حاضر کلمات، تصویرها و جمله‌ها هستند.

۶. ابزار جمع‌آوری اطلاعات: برای گردآوری داده‌های این پژوهش از عکس و گاهی فیلم استفاده شده است؛ به‌ویژه در جاهایی که دسترسی و مشاهده مشکل بوده و کنشگران و بازدیدکنندگان به‌نحوی خارق‌العاده به آنجا دسترسی یافته‌اند. سپس تحلیل براساس عکس و فیلم انجام شده است.

۷. تجزیه و تحلیل داده‌ها: یکی از رایج‌ترین راه‌های دسته‌بندی محتوای متن‌ها یا تصویرها، شمارش الگویی خاص است که در متن تکرار می‌شود. فراوانی‌ها (مطلق و نسبی) کار تلخیص داده‌ها را انجام می‌دهند. در این تحقیق نیز از فراوانی مطلق و نسبی در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۴۸؛ بیکر، ۱۳۸۶: ۳۲۱).

۸. مقیاس اندازه‌گیری: مقیاس‌های اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و نسبی از انواع مقیاس‌های اندازه‌گیری هستند. در این پژوهش مقیاس‌های اسمی و فاصله‌ای به‌کار رفته است (علی‌احمدی و تنهایی، ۱۳۸۶).

۹. اعتبار و پایایی پژوهش: منظور از اعتبار در تحلیل محتوا این است که محقق آنچه را که باید بسنجد، واقعاً مورد سنجش و بررسی قرار دهد؛ به عبارت دیگر میزان دقت شاخص‌های سنجش در راه سنجش است. اعتبار بر چند نوع است: ۱. اعتبار صوری در تحلیل محتوا: میزان توافق متخصصان یک حوزه بر سر یک شاخص؛ ۲. اعتبار تجربی: به مقایسه نتایج تحقیق با

داده‌های متقن و شبهه‌ناپذیر اشاره دارد. در این تحقیق نیز با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی با روش تحلیل محتوا درباره موضوع مورد مطالعه انجام نشده، از اعتبار صوری استفاده کرده و از نظر چندین کارشناس در تیپ‌شناسی بهره برده‌ایم (بیکر، ۱۳۸۶: ۳۲۲؛ ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۸۷). پایایی به «رسیدن به نتایجی مشابه، با به‌کارگیری معیارهای تکراری با ابزار یکسان در نمونه مفروضی از پایایی، کارکرد مهارت، بصیرت و تجربه رمزگذاران، صراحت مقوله‌ها و قواعد رمزگذاری، که کاربرد آن‌ها را هدایت می‌کند و درجه ابهام اطلاعات» اشاره دارد. در این پژوهش نیز غیر از عدم ابهام و وجود صراحت و وضوح در تیپ‌شناسی، دو بار از کدگذاری استفاده شده که نتایج آن یکسان است (هولستی، ۱۳۸۶: ۲۱۰؛ کرپندورف، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۱۷۸).

۷. یافته‌های پژوهش

در این قسمت با توجه به مقوله‌بندی‌های انجام‌شده شامل زمان (تاریخ) درج یادگاری، سن، شهر محل سکونت، قومیت، جنسیت، جنس یا ماده و ابزار مورد استفاده، اشعار و ابیات حک‌شده، نام، نام خانوادگی، نوشته‌های فردی یا گروهی، حروف لاتین، شکل‌ها و تصویرها و... یافته‌های پژوهش را ذکر می‌کنیم.

جدول ۱ فراوانی زمان (تاریخ) دیوارنوشته‌ها روی مکان‌های تاریخی

زمان (تاریخ) فراوانی	قبل از سال ۸۴	سال ۸۴	سال ۸۵	سال ۸۶	سال ۸۷	سال ۸۸	جمع
مطلق	۳۰	۱۲	۱۲	۲۴	۳۷	۲۳	۱۳۸
نسبی	۰.۲۱	۰.۰۹	۰.۰۹	۰.۱۷	۰.۲۷	۰.۱۷	۱

در این جدول زمان یادگارنوشته‌ها آمده است. هرچند بیشترین میزان فراوانی به سال ۱۳۸۷ اختصاص دارد، از آنجایی که فقط یک ماه اول سال ۱۳۸۸ براساس زمان جمع‌آوری اطلاعات، محسوب شده است؛ بنابراین با توجه به تناسب زمانی، بیشترین فراوانی را نشان می‌دهد. شاید

نتوان دلیل قاطعی برای روند افزایشی زمان درج یادگارنوشته‌ها پیدا کرد. در تحلیل این روند افزایشی می‌توان گفت:

آمار گردشگران داخلی یزد با ۲۰٪ و گردشگران خارجی با ۵۵٪ افزایش در سه‌ماهه اول سال جاری نسبت به مدت زمان مشابه در سال گذشته، نشان دهنده روند مثبت و روبه‌رشد صنعت گردشگری در استان یزد است. این آمار براساس ورودی هر نفر شب‌خواب مکان‌های اقامتی محاسبه شده؛ به‌طوری که در سه‌ماهه اول سال ۸۷ گردشگران داخلی ۶۰۱۸۹ نفر و گردشگران خارجی ۷۱۱۱ نفر بوده‌اند؛ ولی در سه‌ماهه نخست امسال این آمار به‌ترتیب ۷۲۶۳۴ نفر ایرانی‌گرد و ۱۱۲۵۹ نفر جهانگرد است. برنامه‌ریزی‌های جدید، تنوع تبلیغات و اطلاع‌رسانی صحیح واز همه مهم‌تر افتتاح هشت هتل سنتی و یک هتل - آپارتمان در ماه‌های پایانی سال گذشته در استان یزد از عوامل مؤثر در جذب و ماندگاری گردشگران در بهار سال ۸۸ بوده است. واحدهای اقامتی - پذیرایی از مؤلفه‌های مهم و تأسیسات زیرساختی صنعت گردشگری به‌شمار آمده و استقبال بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در این بخش مطلوب بوده است (پی. سی آنالین).

درباره روند افزایشی دیوانروسی در سال ۸۷ و یک‌ماهه اول سال ۸۸ به‌جز عوملی مانند تأسیسات زیرساختی، می‌توان به اقدام پسندیده و مطلوب سفرکارت اشاره کرد که در افزایش آمار گردشگران و افزایش اقامت آن‌ها نقش داشته است. بنابراین روند افزایشی در سال‌های ۸۷ و ۸۸ بر میزان تخریب و خدشه‌دار کردن این آثار افزوده است. این روند تهدیدی برای بناهای تاریخی به‌شمار می‌آید و در کژکارکردی و یا عدم کارکرد بناهای تاریخی در هویت‌آفرینی برای نسل‌های درحال شدن نقش اساسی دارد. نکته دیگری که باید در این جدول به آن اشاره کرد این است که میزان فراوانی مربوط به سال‌های قبل از ۸۴ به سال‌های ۶۴ تا ۸۳ اشاره دارد که توسط بازدیدکنندگان حکاکی شده است. البته، سال‌هایی مانند ۱۳۲۷ یا ۱۳۳۰ یا ۱۳۵۸ نیز حک شده که بیشتر گویای سال تولد است یا جنبه کاذب دارد. موضوع درخور تأمل دیگر این است که بیشترین فراوانی ماه‌های حک‌شده مربوط به فروردین و سپس اسفند است که بیشترین بازدید از بناهای تاریخی را در این ماه‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲ فراوانی سن یادگارنویسان روی مکان‌های تاریخی

سن	زیر ۱۰ سال	۱۰-۱۴ سال	۱۵-۱۹ سال	۲۰-۲۴ سال	بالای ۲۵ سال	جمع
مطلق	۸	۲۵	۱۲	۵	۳	۵۳
نسبی	۱۵٪	۴۷٪	۲۳٪	۹٪	۶٪	۱

جدول شماره دو فراوانی سن یادگارنویسان را روی مکان‌های تاریخی نشان می‌دهد. بیشترین فراوانی به گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال اختصاص دارد و با ۴۷ درصد بالاترین فراوانی را نشان می‌دهد. پس از آن، نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۱۹ سال با فراوانی ۲۳ درصد و سپس کودکان زیر ۱۰ سال هستند. کمترین سن یادگارنویسان پنج و بیشترین آن پنجاه است. بررسی ۳۰۰ عکس و بالغ بر ۲۱۰۴ کلمه با توجه به سن یادگارنویسان نشان‌دهنده این است کلمات حک‌شده روی دیواره، سقف، درب، ستون‌ها و سرستون‌ها و ایوان آثار و بناهای تاریخی را نوجوانان، جوانان و کودکانی نگاشته‌اند که معمولاً در کنار خانواده و بیشتر در ایام تعطیلات عید یا تابستان به قصد سیاحت و یا زیارت به مکان‌های تاریخی و باستانی آمده‌اند. این گروه‌های سنی به دور از خانواده و گاهی هم در کنار خانواده و بستگان و گروه همسالان به درج یادگاری روی این آثار پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیقات محسنی تبریزی (۱۳۷۹) و صدیق اورعی (۱۳۸۷) مؤید سن مخدوش‌کنندگان آثار است. البته، بایستی به مرزبندی و معنای خدشه وارد کردن و ارتباط آن با وندالیسم دقت کرد. بنابراین، سن نوجوانی به‌ویژه تغییرات طبیعی و فیزیولوژیکی در بدن و بلوغ و مسائل خاص آن از یک‌سو و حسن استقلال‌طلبی، ابراز وجود، میل به بقا و کنجکاوی و مزاح در میان گروه همسالان از سوی دیگر در انجام دادن این کار تأثیر مستقیم دارد (شفروز، ۱۳۸۶: ۸۷-۹۵). جمعیت نوجوان و جوان ایران به‌نسبت زیاد است و کشوری جوان به‌شمار می‌آید؛ این موضوع را بایست در تحلیل چرایی و دلیل فراوانی بیشتر سن نوجوانی مورد توجه قرار داد.

جدول ۳ فراوانی محل سکونت یا شهر یادگارنویسان بر روی مکان‌های تاریخی

شهر	شهرهای بزرگ	شهرهای متوسط	شهرهای کوچک	روستاها	جمع
مطلق	۱۰	۱۴	۱۷	۳	۴۴
نسبی	۰.۲۳	۰.۳۲	۰.۳۸	۰.۰۷	۱

میزان فراوانی مطلق و نسبی جدول بالا رابطه مستقیم میان نوع شهر (کوچک، بزرگ و متوسط) و میزان یادگارنویسی را می‌نمایاند. چنان‌که مشهود است، بیشترین فراوانی به شهرهای کوچک اختصاص دارد و سپس شهرهای متوسط با ۳۲ درصد و پس از آن شهرهای بزرگ با ۲۳ درصد قرار دارد. کمترین فراوانی به روستاها اختصاص دارد؛ دلیل این امر نیز درصد کم مسافرت و گردشگری در میان روستاییان است؛ زیرا روستاییان با توجه به فرهنگ حاکم بر آنان کمتر به گردشگری می‌پردازند و متناسب با شغل و سبک زندگی شان، بیشتر به طبیعت وابسته‌اند. نکته اساسی در تحلیل این است که فرهنگ‌سازی و پاسداشت آثار گذشتگان در میان شهرهای بزرگ بیشتر از شهرهای متوسط و کوچک به چشم می‌خورد و دلیل آن هم امکانات و فرصت‌های بیشتر برای اطلاع‌رسانی و امر آموزش است. اما در شهرهای کوچک به دلیل برخورداری از امکانات و فرصت کمتر، آموزش کمتری وجود دارد. البته، باید به فاصله و میزان اختلاف کم میان شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ نیز دقت کرد. منظور از شهرهای بزرگ تهران، کرج، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و اهواز است؛ شهرهای متوسط مراکز استان‌هاست؛ شهرهای کوچک نیز شامل سایر شهرستان‌هاست؛ روستاها هم شامل درج عنوان روستا قبل از محل خاص و مکان‌هایی است که کمتر از ۵ هزار نفر جمعیت دارند. بنابراین براساس آنچه گفته شد، تقسیم‌بندی شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک انجام شده است. پس برپایه داده‌های جدول شماره سه، شیب مثبت و مستقیم رابطه میان نوع شهر و یادگارنویسی به‌طور کامل مشاهده می‌شود (وثوقی، ۱۳۸۰: ۱۲).

جدول ۴ فراوانی قومیت یادگارنویسان بر روی مکان‌های تاریخی

قومیت فراوانی	لر	ترک	فارس	سایر اقوام	جمع
	۹	۱۰	۲۱	۴	۴۴
نسبی	۲۰٪	۲۳٪	۴۸٪	۰۹٪	۱

منظور از قوم، براساس تعریف واترز (1991: 57-76)، میراث فرهنگی مشترک است و به مردمی اشاره دارد که ریشه و اصل و نسب مشترک، اجداد مشترک و خصیصه‌های مشترک و قابل تشخیص مثل مذهب، عادات و رفتار، رژیم غذایی، شیوه لباس پوشیدن و زبان و غیره دارند. در این جدول، اقوام شامل لر، ترک، فارس و سایر اقوام (قوم کرد، بلوچ، ترکمن و عرب) است. یادگارنویسان روی آثار تاریخی براساس بیشترین فراوانی به ترتیب شامل اقوام فارس، ترک، لر و سایر اقوام هستند که به ترتیب معادل ۲۰، ۲۳، ۴۸ و ۹ درصد است. فراوانی اقوام لر و ترک به یکدیگر نزدیک است. سایر اقوام مانند کرد، بلوچ، ترکمن و عرب کمترین فراوانی را دارند. در تحلیل ارتباط قوم و یادگارنویسی باید به چند نکته توجه کرد: ۱. جمعیت قوم فارس به نسبت سایر اقوام بیشتر است و پس از آن اقوام ترک، کرد، لر و... قرار دارند و داده‌ها و یافته‌های پژوهش نیز گویای رابطه مستقیم و مثبت میان جمعیت اقوام و یادگارنویسندگان است. ۲. اقوام اقلیت مانند بلوچ، ترکمن، عرب و کرد (گاهی) به هویت ایرانی خود وابستگی کمتر، و در نتیجه حس پیوستگی کمتری دارند و نیز حس ملیت ضعیفی در کنش‌ها نشان می‌دهند؛ بنابراین کمتر به گردشگری می‌پردازند و در نتیجه کمتر بر آثار تاریخی و ملی خدشه وارد می‌کنند. شاید به تعبیری دیگر، این اقوام با گردشگری کمتر در این مکان‌ها در حفظ آثار تاریخی نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ زیرا قوم پارس با رجوع بیشتر، خدشه بیشتری بر آثار وارد می‌کند و در نابودی آن نقش فعال‌تری دارند.

جدول ۵ فراوانی جنسیت یادگارنویسان بر روی مکان‌های تاریخی

جنسیت	زن	مرد	جمع
فراوانی مطلق	۳۰	۶۵۰	۶۸۰
نسبی	.۵	.۹۵	۱

براساس داده‌های جدول شماره پنج، بیشترین فراوانی به مردان با ۹۵ درصد و کمترین فراوانی به زنان با ۵ درصد اختصاص دارد. در تحلیل اینکه چرا بیشترین فراوانی (۹۵ درصد) در خدشه وارد کردن به آثار تاریخی به مردان اختصاص دارد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: به دلیل فرهنگ حاکم بر جامعه، زنان و حضور آنان در اجتماع تابع قواعد رفتاری خاصی است و در جامعه هنجارهایی کاملاً معین از آنان انتظار می‌رود. نوجوان و جوان خانم نمی‌تواند در حین بازدید از مکان‌های تاریخی به آن‌ها آسیب بزند و یا برای مزاح و سرگرمی روی آثار تاریخی یادگاری بنویسد. بنابراین، حضور زنان وابسته به انتظاری است که از نقش آنان در اجتماع وجود دارد. بدیهی است که با حضور پررنگ زنان در اجتماع و فاصله گرفتن از نقش‌های سنتی خود و دگرگونی جامعه با انتقال از ارزش‌های سنتی به مدرن، احتمال بالا رفتن آمار زنان نیز در این جدول وجود دارد؛ زیرا به باور جسی برنارد (۱۳۸۴: ۷)، دنیای زنان نظامی انسجام‌بخش است که اعتبار و معیار عقلانی دنیای مردان را داراست.

جدول ۶ فراوانی جنس یا نوع ماده استفاده‌شده در یادگارنوشته‌ها

جنس / ماده	کنده‌کاری با وسایل مختلف	رنگ و اسپری	زغال	گچ	جمع
فراوانی مطلق	۳۰	۶۰	۱۲۵۴	۸۶۰	۲۲۰۴
نسبی	.۰۱	.۰۳	.۵۷	.۳۹	۱

بر مبنای داده‌های جدول شماره شش، بیشترین ماده استفاده‌شده در یادگارنویسی به ترتیب زغال، گچ، رنگ و اسپری و کنده‌کاری با وسایل مختلف مثل کلید و اشیاء فلزی است که معادل ۵۷ درصد، ۳۹ درصد، ۳ درصد و ۱ درصد است. وجود چهار معیار در استفاده از نوع ماده یا ابزار نقش مهمی دارد:

الف. سهولت دسترسی: به دلیل عدم نظارت دقیق و بهینه بر مکان‌های تاریخی معمولاً (براساس مشاهدات پژوهشگر) در ایام چهارشنبه‌سوری و عید و در برخی از ایام خاص بازدیدکنندگان با برپا کردن آتش به وسیله زغال، یکی از ابزارهای یادگارنویسی را فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، گچ یا سنگ‌های گچ‌مانند نیز به دلیل در دسترس بودن و فراوانی، به ویژه در محیط‌های باز و با فاصله زیاد از مرکز شهر و در حاشیه، ابزار مناسبی برای یادگارنویسی هستند. بنابراین، سهولت و در دسترس بودن زمینه‌ساز درج یادگارنویسی می‌شود.

ب. زمان‌بر بودن: از آنجایی که معمولاً کنده‌کاری با وسایل نوک‌تیز و فلزی صورت می‌گیرد و وقت طولانی برای انجام آن صرف می‌شود، بازدیدکنندگان کمتر از این ابزار استفاده می‌کنند. در جدول شماره شش، ۱ درصد به کنده‌کاری اختصاص یافته است؛ درحالی که زغال و گچ به دلیل سریع‌تر نوشتن، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

ج. هزینه‌بر بودن: از آنجایی که تهیه برخی وسایل نیاز به هزینه دارد و از سوی دیگر انجام این کارها معمولاً با نیت قبلی انجام نمی‌شود و کنشگر برای آن برنامه لازم ندارد که بخواهد از قبل آن وسیله را فراهم کند، بنابراین وسیله‌هایی مثل اسپری و رنگ کمتر استفاده شده است.

د. حجم یا وسعت: به سبب حجم بالای برخی مواد و وسایل مانند رنگ یا اسپری، معمولاً کمتر از این وسایل استفاده شده که نتایج این جدول نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

جدول ۷ فراوانی واژه‌های نوشته‌شده بر مکان‌های تاریخی

ردیف	واژه	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	تاریخ (زمان نگارش)	۱۳۸	۰.۱۱
۲	شکل‌ها و تصویرها (قلب، حیوانات و...)	۵۰	۰.۰۴
۳	نام و نام خانوادگی	۶۸۰	۰.۵۵
۴	نام شهر یا محل سکونت	۴۴	۰.۰۳
۵	شماره تلفن	۱۰	۰.۰۱
۶	اشعار و ابیات	۲۴	۰.۰۲
۷	واژه‌های عشق و دوستی	۳۰	۰.۰۲
۸	حروف یا کلمات لاتین	۱۰۳	۰.۰۸
۹	اصطلاحات برگرفته از سریال‌های تلویزیونی	۱۰	۰.۰۱
۱۰	واژه‌های غم و تنهایی	۲۰	۰.۰۲
۱۱	اصطلاحات رکیک و زننده	۵۰	۰.۰۴
۱۲	اصطلاحات با مضمون شکایت از روزگار	۴۳	۰.۰۳
۱۳	اصطلاحات خاص جاهلی و لوطی‌گری	۱۰	۰.۰۱
۱۴	سایر واژه‌ها مانند نام امامزاده و...	۲۲	۰.۰۲
جمع		۱۲۳۴	۱

از ۲۲۰۴ کلمه نوشته‌شده بر مکان‌ها و بناهای تاریخی، ۹۷۰ مورد مشاهده شده است که یا میزان فراوانی آن زیاد نیست و در حد یک یا دو مورد است و یا خطوط مبهم و غیر قابل تشخیص به‌نظر می‌رسد. بنابراین چون این موارد قابل تبیین و تشخیص نبوده‌اند، در این جدول منظور نشده و هیچ‌گونه تحلیلی از آن‌ها انجام نشده است. بالاترین فراوانی واژه‌های مشاهده‌شده، نام و نام خانوادگی است که ۵۵ درصد را به خود اختصاص داده است. در مرتبه بعدی، تاریخ یا زمان درج‌شده بر مکان‌های تاریخی (۱۱ درصد) قرار دارد. پس از آن حروف یا کلمات لاتین (۸ درصد) که بیشتر به

زبان لاتین است، مشاهده می‌شود و نزدیک به یک درصد هم به زبان‌های دیگری مثل عربی درج شده است. پس از حروف یا کلمات لاتین به ترتیب اصطلاحات رکیک و زننده، شکل‌ها و تصویرها (قلب، حیوانات و...)، نام شهر یا محل سکونت، اصطلاحات با مضمون شکایت از روزگار، واژه‌های عشق و دوستی، اشعار و ابیات، واژه‌های غم و تنهایی، سایر واژه‌ها مانند نام امازداه و...، شماره تلفن، اصطلاحات خاص جاهلی و لوطی‌گری، و اصطلاحات برگرفته از سریال‌های تلویزیونی قرار دارد. نکته حائز اهمیت درباره فراوانی واژه‌ها این است که برخی واژه‌ها درواقع ناشی از نبود زمینه لازم برای بروز خود نوجوان و جوانان است که در جای دیگری باید تجلی کند؛ ولی بر تارک و رخ بناهای تاریخی نمایان می‌شود که ضایعه‌ای سوزناک و جبران‌ناپذیر است.

به منظور روشن شدن مقوله دیوان‌نویسی، تصویرهایی از دیوان‌نویسی بر مکان‌های تاریخی و باستانی شهرستان یزد آورده شده است:



شکل ۱ اثر تاریخی: دخمه (گورهای زرتشتیان) شهرستان یزد



شکل ۲ اثر تاریخی: باغ دولت‌آباد شهرستان یزد



شکل ۳ ساختمان مجموعه گورهای زرتشتیان شهرستان یزد

۸. نتیجه‌گیری

براساس مقوله بندی صورت گرفته از یک سو و اهداف پژوهش از سوی دیگر و همچنین سؤال‌های پژوهش نتایج زیر به دست آمده و تبیین و بحث نیز متناسب با یافته‌ها انجام شده است:

الف. درباره رابطه میان تاریخ و درج یادگاری، بیشترین فراوانی مربوط به سال‌های ۸۷ و ۸۸ در شهرستان یزد است. این آمار رابطه مستقیم میان افزایش گردشگری و کثرت میزان مخدوش کردن آثار تاریخی را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد سفرکارت موجب افزایش گردشگری و بستر ساز حضور بیشتر گردشگران در میان بناها و آثار تاریخی شده باشد که در نهایت، با حضور بیشتر بازدیدکنندگان خدشه بیشتر بر آثار تاریخی رخ داده است.

ب. سن یادگارنویسان روی مکان‌های تاریخی و باستانی نیز گویای این است که گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ با ۴۷ درصد بالاترین فراوانی را نشان می‌دهد و کمترین سن ۵ و بالاترین سن ۵۰ است. جوان بودن جمعیت ایران از یک سو و عواملی مانند سن نوجوانی و جوانی و بلوغ و مسائل خاص آن و همچنین حس استقلال طلبی، ابراز وجود، میل به بقا، کنجکاوی و شوخی در میان جمع دوستان هنگام بازدید از آثار تاریخی در ارتکاب «فعل مخدوش کردن» مؤثر هستند (گفتنی است که نوجوانان بیشترین صدمه‌زندگان به آثار تاریخی هستند).

پ. مقوله سوم محل سکونت یادگارنویسان است. بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به شهرهای کوچک، سپس شهرهای متوسط و شهرهای بزرگ است. کمترین فراوانی هم به روستاها اختصاص دارد و دلیلش فرهنگ حاکم بر روستاهاست که گردشگری و سیاحت در میان آنان کمتر رواج دارد. فرهنگ سازی، پاسداشت آثار تاریخی و ملی، اطلاع رسانی و آموزش در این زمینه بیشتر در شهرهای بزرگ صورت گرفته است؛ بنابراین بین اندازه شهر و مخدوش کردن آثار رابطه‌ای معکوس و منفی حاکم است.

ت. اقوام یادگارنویسان بر روی آثار تاریخی به ترتیب فارس، ترک، لر و سایر اقوام با فراوانی ۲۰، ۲۳، ۴۸ و ۹ درصد است. میان جمعیت اقوام ساکن در ایران و میزان نوشته‌های درج شده روی آثار تاریخی رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد. قوم فارس بیشترین جمعیت و پس از آن اقوام لر و ترک نزدیک به ۹۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. درواقع، این اقوام با رجوع بیشتر، خدشه بیشتری بر آثار ملی و تاریخی وارد کرده و نقش فعال تری در نابودی بنا

داشته‌اند. اقوام اقلیتی مانند بلوچ، ترکمن، عرب و... شاید به دلیل علقه کمتر و به دلایل خاص فرهنگی و مسائل هویتی حاکم در میان آن‌ها، کمتر به دیدن آثار ملی و تاریخی می‌روند و در نتیجه کمتر به این آثار خدشه وارد می‌کنند.

ث. تحلیل جنسیت یادگارنویسان بر مکان‌های تاریخی نیز بیان می‌کند که ۹۵ درصد مردان به نوشتن یادگاری روی این آثار می‌پردازند. دلیل فراوانی کمتر زنان در نوشتن یادگاری، ارزش‌ها و هنجارهای خاص و مسلط بر جامعه است و شاید عاملی مثبت و بازدارنده در یادگارنویسی باشد؛ زیرا زنان جامعه کمتر به خود اجازه می‌دهند در حضور جمع به نوشتن یادگاری روی بناهای تاریخی بپردازند. البته، حضور فعال زنان در فضای اجتماع به ویژه فضای کسب و کار- که بر اثر گسترش شهرنشینی و عقلانیت و رشد مدرنیته و جهانی‌شدن در کشور به وجود آمده- به قرابت فکری و عملی زنان با مردان در اجتماع منجر شده است؛ بنابراین احتمال تأثیر کمتر و در نهایت نبود رابطه میان متغیر جنسیت و یادگارنویسی وجود دارد.

ج. بیشترین ماده و وسیله استفاده شده در یادگارنویسی به ترتیب زغال، گچ و رنگ و اسپری، و کنده‌کاری با وسایل مختلف مثل کلید، چاقو و اشیاء نوک‌تیز فلزی است. چهار معیار ۱. سهولت دسترسی، ۲. زمان‌بر بودن استفاده از وسیله و ماده مورد نظر، ۳. هزینه‌بر بودن، ۴. حجم و اندازه وسیله و ماده قابل استفاده در نوشتن یادگاری روی آثار تاریخی نقش بسزایی دارند. برای مثال، در مکان‌هایی مانند آرامگاه زرتشتیان یا دخمه (در جامعه آماری) به علت بعد مسافت و پراکندگی نسبت به مرکز شهر و عدم نظارت دقیق بر آن‌ها از وسایلی مانند زغال، گچ و رنگ و اسپری، و کنده‌کاری با وسایل مختلف مثل کلید، چاقو و اشیاء نوک‌تیز فلزی استفاده شده است.

چ. از ۲۲۰۴ کلمه درج شده روی بناهای تاریخی و مکان‌های باستانی، ۱۲۳۴ مورد قابل تشخیص و دارای معنا و مفهوم است و سایر نوشته‌ها کنگ و مبهم هستند. بالاترین فراوانی مربوط به واژه نام و نام خانوادگی است که ۵۵ درصد نوشته‌ها را شامل می‌شود. بعد از این مورد، تاریخ یا زمان درج یادگاری با ۱۱ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و پس از آن کلمات و حروف لاتین قرار دارد. نکته درخور توجه این است که برخی از واژه‌ها به دلیل نبود بستر لازم برای بروز و تجلی «خود» نوجوانان و جوانان نوشته می‌شود که

باید در جایگاه و مکانی دیگر و با ابزاری دیگر تجلی یابد؛ زیرا این اقدام هزینه‌ای جبران‌ناپذیر بر آثار وارد می‌کند.

درباره عوامل مؤثر بر یادگارنویسی نیز یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد یادگاری‌نویسی با رفتارها و کنش‌های وندالیستی مرزبندی خاص دارد. همان‌گونه که پیشتر بیان شد، وندال‌ها گروه و تیپ خاص با ویژگی‌های فردی، اعتقادی و رفتاری خاص هستند؛ اما چنان‌که نتایج پژوهش اثبات می‌کند یادگارنویسان کمتر دارای ویژگی‌های مشخص‌اند و در میان مشخصات آن‌ها پراکندگی دیده می‌شود. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر یادگارنویسی به این شرح است:

۱. عدم آموزش کافی و لازم به یادگارنویسان و کنشگرانی که به سیاحت و گردشگری می‌پردازند. بی‌توجهی به اطلاع‌رسانی و آموزش کافی و غفلت از آن، زمینه‌ساز نوشتن «یادگاری» و تخریب آثار می‌شود.

۲. عدم نظارت متولیان و حافظان بناهای تاریخی و سکوت مشاهده‌کنندگان در برابر مخدوش کردن آثار تاریخی و ملی عاملی مؤثر در تخریب بناهای تاریخی و میراث ارزشمند ایران اسلامی است.

۳. احترام به آثار تاریخی و پاسداشت آن‌ها ارزش تلقی نمی‌شود. بنابر نظریه دورکیم، وقتی رفتاری تغییر می‌کند که ارزش منجر به رفتار تغییر کند. چون صیانت از بناهای تاریخی ارزش تلقی نمی‌شود، پس مخدوش کردن آن‌ها و زمینه‌سازی برای تخریب نیز ضد ارزش قلمداد نمی‌شود و برای محافظت از آن‌ها اقدامی صورت نمی‌گیرد.

۴. باور و احساس مشترک درباره تعریف احترام و دوش داشتن آثار تاریخی و ملی وجود ندارد.

۵. بی‌مسئولیتی موقت موجب می‌شود بی‌دقتی و سهل‌انگاری جایگزین احساس مسئولیت به آثار به‌جامانده از گذشتگان و دوست داشتن و حفظ آن‌ها شود.

۶. یادگیری رفتاری‌های تخریب‌گرایانه و انفعال در برابر تخریب آثار توسط نسل جدید و نوپا به نهادینه شدن «بی‌اعتنایی به حفظ آثار ملی و تاریخی» می‌انجامد.

در پایان، راهکارهایی برای صیانت از آثار ملی و بناهای تاریخی و مذهبی اشاره می‌شود:
- نظارت دقیق بر آثار و بناهای تاریخی با استفاده از تجهیزات الکترونیک مثل دوربین مداربسته به گونه‌ای که کل بنا مورد پوشش قرار گیرد.

تحلیل محتوای یادگارنوشته‌های مکان‌های... _____ احمد نوبخت

- به‌منظور پیشگیری از خدشه وارد کردن به آثار، رفتار بازدیدکنندگان مورد نظارت دقیق قرار گیرد.
- از نرم‌افزارهای موجود به‌منظور تهیه فایل الکترونیک بنا و اثر استفاده شود.
- به‌منظور نگهداری و پاسداشت بناهای تاریخی و ملی اطلاع‌رسانی همه‌جانبه از راه‌های گوناگون صورت گیرد.
- آموزش کافی و لازم به نسل نوپا و جوان درباره اینکه احترام به آثار ملی و تاریخی نوعی ارزش است.
- با مخدوش‌کنندگان و یادگارنویسان مقابله حقوقی و جزایی صورت گیرد.
- در کنار بناهای تاریخی و ملی جهت هشدار به بازدیدکنندگان درمورد مخدوش کردن این آثار، تابلوی الکترونیک و یا غیرالکترونیک قرار داده شود.
- از ورود ماده و وسایلی که برای یادگارنویسی به کار می‌رود، جلوگیری شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و محمد غفاری (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی تهران.
- اجتهادنژاد، سالار (۱۳۸۴). *شکاف بین‌نسلی در میان دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- احمدی علی‌آبادی، کاوه (۱۳۸۷). «وندال‌بسم و شکاف نسل‌ها». *سایت جامعه‌شناسی ایران*. [۱/۹/۱۳۸۸].
- اخلاقی، ربابه (۱۳۸۲). *جایگاه میراث فرهنگی نزد ایرانیان باستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
- ارونسون، الیوت (۱۳۷۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه حسین شکرکن. تهران: رشد.
- امینی، محمد (۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی ورامین*. تهران: انتشارات ۱۷ شهریور.
- انجمن دوستداران میراث فرهنگی فارس [۵/۴/۱۳۸۸]: www.admf.persianblog.ir
- برنارد، جسی (۱۳۸۴). *دنیای زنان*. ترجمه شهرزاد ذوفن. تهران: اختران.

- بیکر، ترزال. (۱۳۸۶). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. چ ۲. تهران: نشر نی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳). «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن». *فصلنامه علوم اجتماعی*. ش ۱۷. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- پی. سی آنالین [۱۳۸۸/۶/۵].
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- توکل، محمد و مریم قاضی‌نژاد (۱۳۸۵). «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو». *نامه علوم اجتماعی*. ش ۲۷. صص ۹۷-۱۲۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. چ ۱۳. تهران: سمت.
- خبرگزاری مهر [۱۳۸۸/۴/۵]: www.mehrnews.com.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۱). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. چ ۲. تهران: نشر نی.
- دیلیتی، تیم (۱۳۸۷). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشر نی.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. چ ۴. تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. ج ۱. چ ۶. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساعی، علی (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)*. تهران: سمت.
- شفرز، برنارد (۱۳۸۶). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.
- شکریبگی، عالیه و فاطمه محمدی‌راد (۱۳۸۷). «بررسی علل و عوامل نظری وندالیسم». *مجله بیمه و توسعه*. ش ۱۳ و ۱۴ (بهار و تابستان). صص ۶۲-۶۶.
- صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر در بروز تخریب: یک درد اجتماعی به نام وندالیسم». [۱۳۸۷/۹/۱۳]: www.abbaci.parsiblog.com.

- علی‌احمدی، علیرضا و وحید سعید نهایی (۱۳۸۶). *توصیفی جامع از روش‌های تحقیق*. تهران: تولید دانش.
- کرایب، یان (۱۳۸۶). *نظریه اجتماعی مدرن*. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کرپندروف، کلوس (۱۳۸۶). *تحلیل محتوا، مبانی روش شناسی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
- کوزر، لویس و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۵). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*. ترجمه فرهنگ ارشاد. چ ۳. تهران: نشر نی.
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود (۱۳۸۵). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی. چ ۳. تهران: نشر مرکز.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹). «مبانی نظری و تجربی وندالیسم: بررسی یافته‌های یک تحقیق». *نامه علوم اجتماعی*. ش ۱۶ (پاییز و زمستان). صص ۱۹۳-۲۲۷.
- مقصودی، سوده و زهرا بنی‌فاطمه (۱۳۸۳). «تحلیل محتوای دیوانرویی‌های کلاس درس دانشگاه شهید باهنر کرمان». *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*. س ۳. ش ۱۳.
- وثوقی، منصور (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی روستایی*. چ ۹. تهران: کیهان.
- هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory*. Prentice Hall.
- _____ (1969). "Social Learning of Moral Judgments". *Journal of Personality and Social Psychology*. Vol II (3). Mar, Pp. 275-279.
- Berk, R.A. & H.E. Aldrich (1972). "Pattern of Vandalism During Civil Disorders As an Indicator of Selection of Targets". *American Sociological Review*. Vol. 37. Pp. 533-547.
- Clark, R. (2004). *Tacking Vandalism and Other Criminal Damage A Home Office Research Unit Report*. 2. Vol. II. Landon.
- Luhman, N. (1995). *Social System*. Leland Standford Junior University.

- Moser, G. (1992). *What is Vandalism? Towards a Sphycho- Social Definition and Its Implications in Vandalism Research*. Prevention and Social Policy: U.S. Department of Agriculture.
- Waters, Mc (1991). "The Role of Lineage in Identity Formation Among Black". *Americans, Qualitative Sociology*. No. 14 (1). Pp. 57-76.